

## طلا: بازگشت به دنیای پول (۲)

<http://www.fondsk.ru/news/2013/03/30/zoloto-vozvraschenie-v-mir-deneg-ii-19818.html>

۲۱ حمل ۱۳۹۲

دروغها علیه معمر قذافی

برجسته ترین نمونه تبدیل طلا به ابزار تسویه پرداختهای بین المللی، دینار طلائی معمر قذافی بود. رهبر لیبی مبتکر اصلی امتناع از تسویه پرداختهای بین المللی با دلار و یورو بود. او جهان عرب-آفریقایی را به تسویه پرداخت با ارز واحد بنام دینار طلائی فرامی خواند. بر همین مبنا سرهنگ قذافی پیشنهاد تشکیل دولت واحد جمعیت ۲۰۰ میلیونی عرب-آفریقایی را مطرح کرد. ایده ساختن ارز طلائی واحد و اتحاد کشورهای آفریقائی در یک ساختار قدرتمند فدرال از سوی بسیاری از کشورهای توسعه یافته مورد پشتیبانی قرار گرفت. جمهوری آفریقای جنوبی و اتحادیه عرب با این ایده او مخالفت کردند. ابتکار لیبی با واکنش بشدت منفی در میان برخی کشورهای اروپایی مواجه شد. توصیه های رهبر انقلاب لیبی نتیجه ای نداد: قذافی گامهای تازه تری در جهت تشکیل اتحادیه آفریقا و استفاده از دینار طلا برداشت. هر دو بهانه اصلی در حمله به لیبی، یعنی دفاع از حقوق بشر و تلاش برای تصاحب نفت لیبی، ساختگی بودند. واقعیت اما عبارت از این بود که معمر قذافی شهادت تکرار تجربه ژنرال دوگل در خروج از منطقه اسکناس و بازگشت به طلا را داشت. به سخن دیگر، به حریم قدرت صاحبان ماشینهای چاپ، سهامداران عمده یک شرکت خصوصی بنام «نظام ذخیره فدرال ایالات متحده آمریکا» دست درازی کرد...

برخی کشورها بدون مجوز به استفاده از طلا در تسویه پرداختهای بین المللی روی می آورند. این واقعیت قبل از همه به استفاده از طلا در تجارت قاچاق یا «خاکستری» مصداق دارد. بعنوان مثال، می توان از نپال، که دو سوم همه واردات خود را از هند همسایه دریافت می کند، نام برد. بهای کالاها با طلا پرداخت می شود. وارد کنندگان نپالی بخشی از طلا را از بانکهای محلی (روزانه تقریباً ۱۵ کیلوگرم) می خردند و به همین میزان هم از طریق کانالهای غیرقانونی از چین همسایه که در آنجا طلا ارزانتر از هند است (هر کیلوگرم، ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار روپیه هند بجای ۵ میلیون و ۵۰ هزار روپیه) بدست می آورند. بدین صورت، دلیل اصلی استفاده از فلز

زرد بعنوان وسیله تسویه پرداختها، کوشش برای کسب سود از تفاوتها در بهای طلا اولویت پیدا می کند.

با این حال، دلایل دیگر هم در رابطه با سازماندهی تحریمها علیه برخی کشورها وجود دارد. ایران مشخص ترین نمونه آن است که غرب تحریمهای اقتصادی گسترده ای را بر علیه این کشور اعمال کرد و بانکها را هم از انجام عملیات برای تسویه پرداختها صادرات و واردات ایران منع کرد. در نتیجه، ترکیه مجبور شد بهای گاز طبیعی وارداتی خود از ایران را با طلا پرداخت نماید. در این باره روزنامه «وال استریت ژورنال/اوپروپ/اید» گزارش داد: «تسویه پرداخت بهای گاز ایران، باعث آن شده است که در زمانهای اخیر مقادیر هنگفت طلا به ارزش میلیاردها دلار از اقتصاد ترکیه خارج شود... استفاده دو کشور از طلا برای تسویه پرداخت بهای گاز وارداتی از ایران، پیامد تحریمهای آمریکا است که کشور ثالث را در صورت استفاده از دلار در تجارت با تهران با اقدامات تنبیهی سخت تهدید می کند». این روزنامه در ادامه می نویسد: «استفاده از طلا به آنکارا فرصت داد تا از «مجازات» واشینگتن در امان بماند. زیرا، چنین روش تجاری، تخلف از نظام تحریمهای بین المللی علیه ایران بحساب نمی آید». میزان خروج طلا از ترکیه در عرض ۹ ماه اول سال ۲۰۱۲ به مبلغ رکورد ۱۰ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار رسید. ۶ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار از این کشور به ایران وارد شد.

### جنگ پنهان در اطراف طلا، یا راکفلرها و روچیلدها

حوادث مختلف در دنیای طلا، در نگاه اول اتفاقی و بی ارتباط با همدیگر به نظر می رسند. در واقعیت امر اما، همه آنها مبارزه پنهانی منافع گروههای مختلف الیگارشلی مالی جهان را بازتاب می دهند. در مجموع، همه این گروهها در دو اردوگاه جای می گیرند: ۱- اردوگاه متشکل از مدافعان وضع موجود، یعنی طرفداران پولهای کاغذی، که بر شالوده دلار بی هیچ پشتوانه استوار است؛ ۲- اردوگاه طرفداران بازگشت به پول طلائی.

صاحبان (سهامداران اصلی) ماشینهای چاپ پول نظام ذخیره فدرال آمریکا، و همچنین، بانکهایی که روابط تنگاتنگی با نظام ذخیره فدرال دارند (بانکهای همان سهامداران نظام ذخیره فدرال) و جزو گیرندگان ممتاز تولیدات کاغذی آنها هستند، در اردوگاه اول جای می گیرند. از نگاه نمایندگان این اردوگاه، طلا رقیب خطرناک دلار بحساب می آید. الیگارشلی مالی وابسته به این شاخه، بمنظور طولانی کردن کار ماشینهای چاپ پول، به هر کاری، حتی درگیر کردن جنگهای بزرگ دست خواهد زد. اعضای این اردوگاه در وهله اول از خانواده راکفلرها و چند

خانواده کمتر شناخته شده که علاوه بر ماشینهای چاپ پول نظام ذخیره فدرال، بازار جهانی «طلای سیاه» و مجتمع صنایع نظامی آمریکا را تحت کنترل خود دارند، تشکیل یافته است.

اردوگاه دوم، اردوگاه حامیان طلا، بسیار متنوع تر و گسترده تر است. بخشی از الیگارش‌های مالی جهان، که رابطه چندانی با نظام ذخیره فدرال ندارد، در این اردوگاه جای گرفته اند. این اردوگاه بمیزان قابل توجهی از اندوخته طلا را در اختیار دارد و استخراج و بازار جهانی فلز زرد را نیز تحت کنترل خود دارد. این اردوگاه برای متوقف ساختن ماشینهای کنونی چاپ پول و جایگزینی آن با استاندارد طلا آماده است. این بخشی از الیگارش‌های جهانی را، پیش از همه، وابستگان به خاندان روچیلدها و برخی خاندانهای کوچکتر متمایل به اروپا تشکیل می دهند. لازم به ذکر است که چون سیستم کنونی دلار چنان خودش را بی اعتبار کرده است، الیگارش‌های مالی «طلایی» جهان، طرفداران خود را بی هیچ مشکلی از میان متنوع ترین لایه های اجتماعی اجیر می کنند و به همین سبب، از پایگاه اجتماعی گسترده ای در سراسر جهان برخوردار هستند. کافیس «جنبش تسخیر وال استریت» را به یاد بیاورید که در واقع قرار بود لبه تیز حمله خود را نه فقط علیه بانکهای وال استریت، حتی علیه نظام ذخیره فدرال، بمثابه دژ و پشت جبهه امپراطوری راکفلرها باشد.

در پشت بسیاری از تشبثات برای قانونی کردن طلا بمثابه پول فلزی روچیلدها ایستاده اند. اما راکفلرها هر گونه ضربه عملی روچیلدها را با ضربه متقابل پاسخ می دهند. مبارزه بین روچیلدها و راکفلرها در «جبهه طلایی» با موفقیت متغیر توأم است. مثلا، ارزش دارد که کارزار قانونی کردن فرانک طلایی سوئیس مورد توجه قرار داده شود. این کارزار، بیش از دو سال قبل آغاز گردید، اما تا کنون موفقیتی بهمراه نداشته است. ما هیچ اطلاعی در این باره دست نداریم، که چرا بر اساس طرح اولیه، پول طلایی «موازی» در سال ۲۰۱۲ منتشر نشد. رسانه های سوئیس و جهان، درست مثل اینکه با یک دستور، چاپ هر گونه مطلب راجع به «فرانک طلایی» را متوقف کردند. گمان می رود، که راکفلرها از اجرائی شدن پروژه ممانعت کردند. احتمال دارد، خاندان روچیلدها با خاندان راکفلرها به چانه زنی پرداخته و چنین سازش کرده باشند، که مثلا، حاکمیت آمریکا به «حملات» علیه بانکهای سوئیس (متهم کردن این بانکها به پنهان کردن پولهای «دیکتاتورها» و غیره) پایان بدهد و در مقابل، سوئیس نیز از اجرای طرح انتشار پول طلایی «موازی» صرف نظر بکند.

در بالا به ابتکارات «طلایی» ۱۳ ایالت آمریکا اشاره شد. پس از موفقیت استفاده از پول طلا در ایالت یوتا، ابتکارات مشابه در ۱۲ ایالت دیگر متوقف شدند. من اطمینان دارم که خاندان

راکفلرها این ابتکارات را بمتابه خطری برای نظام ذخیره فدرال ارزیابی کردند و همه «ترمزهای» اقتصادی و سیاسی را کشیدند.

همچنین اعمال محدودیتهای مختلف در خرید و فروش طلا، گاهی در این کشور، گاهی در آن یکی، چندان اتفاقی بنظر نمی رسد. معمولاً چنین محدودیتهائی با انگیزه ضرورت مبارزه با «شستن» پولهای کثیف (طلا، مناسبترین وسیله برای «پولشویی» است)، تأمین بودجه تروریسم، رشوه خواری و امثالهم توضیح داده می شود. تابستان سال ۲۰۱۱ در اتریش آرام و متمدن بانکها را از فروش فلزات قیمتی به ارزش بیش از ۱۵۰۰۰ دلار (بیش از ۱۱ اونس به قیمت آن روز) به یک دست منع کردند. دولت اتریش اعلام کرد که خود این کار، در واقع همکاری با آمریکا در مبارزه آن با تروریسم بین المللی و جرایم سازمانیافته فراملی شمرده می شود. الگوی اتریش را در ماه سپتامبر سال ۲۰۱۱ فرانسه با اعمال محدودیت بر خرید طلا از بانکها توسط اشخاص حقیقی پی گرفت. وضعیت در برخی ایالتهای آمریکا حتی سخت تر هم شد. بسیاری از شهرهای آمریکا، از جمله شهرهائی مثل هیوستون در ایالت تکزاس، ارائه سند در هنگام خرید یا فروش فلزات گرانبها الزامی اعلام شد. علاوه بر خود بانکها، سازمانهای امنیتی وزارتخانه های دارائی، نظام ذخیره فدرال و وزارت امنیت داخلی بر معاملات با طلا نظارت می کردند. می پندارم که شروع دوباره کارزار بزرگنمائی خطر تروریسم بین المللی، قبل از هر چیز، زیر سر خاندان راکفلرها بوده است. آنها با توسل به آن، از کاربست طلا بمتابه پول فلزی جلوگیری کردند.

### جنگ بمتابه یک استدلال در جدال دلار و فلز

برای ارزیابی چشم انداز گذار نظام مالی جهانی از استاندارد دلاری کنونی به استاندارد طلا، بایسته است توازن نیروهای نظامی در جهان، امکانات و محدوده استفاده از نیروی نظامی توسط خاندان راکفلرها در نظر گرفته شود. یادآوری حوادث عراق و لیبی بسیار مفید است. هنگامیکه رهبران این کشورها از حرف به عمل روی آوردند، یعنی از کاربست دلار آمریکا در تسویه پرداختها نفت و دیگر کالاهای صادراتی خود امتناع کردند، ایالات متحده آمریکا جنگ علیه «دیکتاتورها» را بیدرنگ آغاز کرد. تلاشهای قذافی، رهبر لیبی برای استفاده از دینار طلا از سوی خاندان روچیلدها مورد پشتیبانی قرار گرفت و «پیاپی» تقویت گردید. برخی واقعیتهای کمتر علنی شده گواه این مدعاست. مثلاً، رئیس سابق صندوق بین المللی پول، **دومینیک استروسکان** مخلوق روچیلدها بود. در سال ۲۰۱۱ او از ایده انتشار دینار طلائی پشتیبانی کرد. خاندان راکفلرها با ضربه متقابل پاسخ دادند: ابتدا به استروسکان و پس از او به لیبی.

داستان استروسکان نمود فشرده ظهور تضادهای عمیق در محافل الیگارشسی جهانی در رابطه با چگونگی ادامه راه توسعه آینده نظام مالی بین المللی است. از پائیز سال ۲۰۰۹ استروسکان بروشنی از آن بخش الیگارشسی مالی جهانی دفاع کرد، که آرزومند لغو حقوق دلار بمتابه ارز بین المللی بود. رئیس وقت صندوق بین المللی پول از آن جمله، اجماع واشینگتن، بعبار دیگر، مجموعه اصول تضمین کننده سلطه جهانی دلار ایالات متحده آمریکا را مورد انتقاد قرار داد.

تجاوزات نظامی و اشغال کشورهای مختلف بمتابه واکنش آمریکا به تهدیدات علیه منافع راکفلرها ارزبایی می شود. هدف آنها، سرکوب کردن هر نوع رویه امتناع از «محصولات» ماشین چاپ نظام ذخیره فدرال (و در وهله دوم، اعمال کنترل بر ذخایر «طلای سیاه») است. جهان اما مدتهاست از سلطه دلار که آمریکا با کمک سازمان سیا، پنتاگون و ناتو بزور بر آن تحمیل کرده، به تنگ آمده است. اما آمریکا همه ناراضیان از قبول برگه تهی به شکل کاغذ سبز واشینگتن را «مرکز تروریسم» تعریف می کند و تهاجم نظامی و تحریمهای اقتصادی بر علیه آنها را سازمان می دهد. با این حال، خاندان روچیلدها توانستند از روحیه رو به تزاید ضد آمریکائی در سراسر جهان برای پیشبرد پروژه پول طلائی خود سوءاستفاده نمایند.

### مؤخره مختصر مترجم

تمام اسناد و مستندات گواهی از آن می دهند که تجاوزات نظامی و لشکرکشی آمریکا و ناتو به اقاص نقاط جهان از ابتدا تا امروز به سفارش دولت مخفی جهانی متشکل از بانکسترهای عمدتا صهیونیست، مافیای مواد مخدر و فرماسونری صورت می گیرد و همه بحث و جدلها بر سر اینکه تمام اقدامات و تجاوزات غرب علیه دیگران، بمفهوم مبارزه با تروریسم بین الملل، توسعه دمکراسی، حقوق بشر و مبارزه با دیکتاتورهاست یا خیر، بحثهایی هستند، که سارقان مسلح جهانی بواسطه اتاقهای فکر امپریالیستی- صهیونیستی به محافل و مجامع سیاسی القاء می کنند.

مثلا، امروز دیگر هیچ انسان بی غرضی باور نمی کند که علت حمله آمریکا و ناتو به افغانستان و اشغال نظامی این کشور و کشتار مستمر بخصوص زنان و کودکان بیدفاع این کشور، جنگ با تروریسم بوده است. چه که، همان مهاجمان و اشغالگران از مدتها پیش با همان تروریستها که بیبانه جنگ با آنها افغانستان را اشغال کردند، نه تنها مذاکره می کنند (نشست ناتوچی ها با گروه طالبان در پاریس)، حتی رئیس جمهور دست نشانده و کذائی افغانستان در مراسم گشایش دفتر نمایندگی همان تروریستها در دوحه، مرکز یکی از نیولهای خصوصی امپریالیسم

جهانی شرکت می کند و یا در روزهای اخیر نیز خواستار معرفی نامزد طالبان در «انتخابات ریاست جمهوری» افغانستان می شود.

بنا بر مستندات و مطالعات غیرقابل انکار و بررسی پیامدهای سنگین حملات نظامی و اشغالگریهای غرب امپریالیستی، توجیه گران اقدامات ضد بشری امپریالیسم جهانی را در مجموع می توان به دو گروه عمده تقسیم کرد: گروه اول غالباً آن محافل یا افراد سیاسی هستند که از روی ناآگاهی و بر مبنای درک تخیلی و رؤیایی خود از آزادی، حقوق انسانی و استقلال ملی، بدون توجه به مفهوم و ماهیت طبقاتی این مقولات و منشاء و ریشه اصلی مصائب و مشکلات و مفاسد عدیده اجتماعی، در تأیید و توجیه جنگها سفارشی- نیابتی استعماری سخنرایی می کنند؛ گروه دوم، آن محافل و افراد سیاسی هستند که اهداف و آرمانهایشان، منافع و مقاصد دور و نزدیکشان با منافع مافیای مالی جهان پیوند خورده و به یمن وجود آنها به حیات خود ادامه می دهند. مثلاً، «پیام تبریک» رئیس مجلس ایران، آقای علی لاریجانی در صحن علنی مجلس و وزیر خارجه وقت ایران، منوچهر متکی به مصطفی عبدالجلیل یا «پیام شادباش» شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت «پیروزی انقلاب مردم لیبی» و همچنین، پیام کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان ایران تحت عنوان «قذافی مرد، زنده باد آزادی»<sup>(\*)</sup> بمناسبت دریدن سرهنگ قذافی در جلوی پای هیلاری کلینتون، وزیر خارجه وقت آمریکا را به هیچ روی نمی توان نتیجه ناآگاهی و یا بیغرضی آنها دانست. بخصوص اینکه چنین روشی از سوی بسیاری از محافل و افراد سیاسی در ارزیابی جنگ استعماری- نیابتی علیه کشور و مردم سوریه هنوز ادامه هم ادامه دارد...

در هر حال، مطمئناً مدت زمان زیادی طول نخواهد کشید که همه مدافعان و توجیه گران جنگها، دخالتها و اشغالگریهای نظامی، اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی امپریالیسم در امور کشورها و ملتهای مختلف، بعبارت دیگر، آب و جارو کنندگان راه های تجاوز امپریالیسم باید پاسخ اعمال و رفتار خود در را در مقابل دادگاه تاریخ بدهند. یعنی، بمصداق قول مشهور: «کسی که خربزه می خورد، باید پای لرزش هم بنشیند». پس، بهتر است از هم اکنون بفرکر تنظیم دفاعیه خود باشند.